

باموزیکولوژی و هدفهای آن آشنا شویم (۸)

تشخیص اصالت آهنگهای بومی

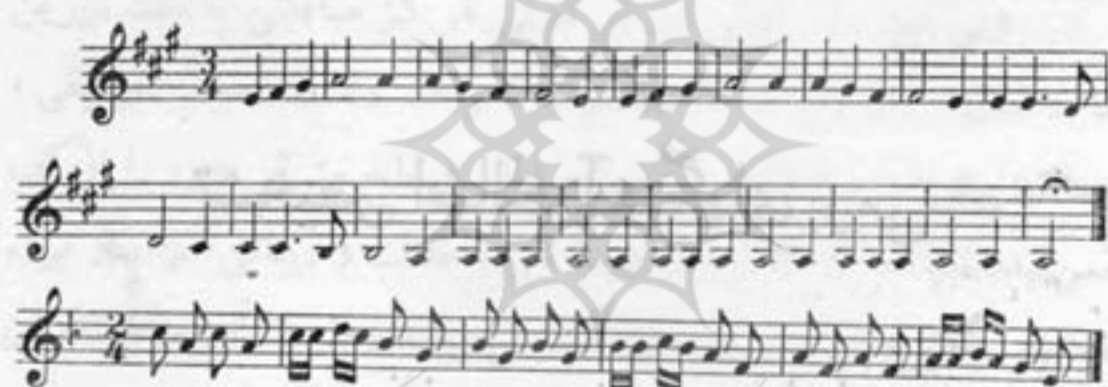
مراجعه به مدارک جمع آوری شده و اتخاذ سند به آنها یکی از عواملی است که میتواند محققین را دچار اشتباهات جبران ناپذیری سازد. نمونه‌های موسیقی جمع آوری شده بوسیله اشخاص غیر اهل فن، چنانگردان یادانشندان مردم شناسی همیشه نمیتواند منابع قابل اعتمادی باشد چه آنها از ماهیت موسیقی و اصالت آهنگها و نمونه‌های مشابهی که این آهنگها میتوانند در نقاط دیگر داشته باشند کاملاً بی اطلاع هستند.

اشکال جمع آوری موسیقی بوسیله طبقات مختلف اشخاص امر تازه‌ای بشمار نمی‌رود این عمل در اوان تحقیقات اتنولوژیک هم وجود داشته و در همان زمان هم باعث ایجاد ناراحتی هائی برای موزیکولوگ ها بوده است.

« کارل شتومپف » درباره این نوع موسیقی های جمع آوری شده

در کتاب « ابتدای موسیقی »^۱ که بسال ۱۹۱۱ تدوین کرده است (در صفحه ۶۹) چنین میگوید :

« برای اینکه ما به بی ارزش بودن بعضی از نمونه های موسیقی که در سفرنامه های! مختلف توسط اشخاص غیر بصیر جمع آوری گردیده است پی ببریم کافی است که به دو نمونه زیر که توسط روانشناس عصر ما « ووندت »^۲ در کتاب « پسیکولوژی اقوام » (جلد سوم صفحه ۴۶۸) آورده شده است توجه کنیم . وی در کتاب خود چهار نمونه از آوازهای اقوام طبیعی را ذکر کرده است که ما دو نمونه از آنها در اینجا ذکر میکنیم . البته لازم به تذکر نیست این نمونه ها که باید نموداری از آواز های اقوام طبیعی استرالیا و نگرها باشد هیچگونه شباهتی با آنها ندارد و دراصالت آنها باید تردید داشت .»



گردآورنده این موسیقی ها خودش مدعی است که مثال دوم بگوش خوش آیند است و شباهت تامی به آوازهای محلی اروپائی دارد. «شتومپف» چنین ادامه میدهد: « در حقیقت این دو ملودی (از پایان مثال اول که بگذریم) هیچگونه شباهتی با موسیقی ملی ما نداشته و وجه تشابهی بین آنها و فولکلور ما موجود نیست . مثال اول که توسط خود جمع آوری کننده « ملودی آدمخواران استرالیا » نامیده شده و در نسخه اصلی آن حتی در ابتدا حالت ضربی آنرا با « تمپو والس آلگرو » تعیین کرده است می-

۱ - Dieanfänge - der Musik

۲ - W. Wundt

۳ - Tempo di Valse. Allegro

تواند در موسیقی ساخته شده اروپائی هم پیش بیاید. مثلاً ما میتوانیم میزان هائی از آنرا عیناً در یکی از اپرت‌های «اسکار اشتراوس» پیدا کنیم. ملودی فوق را به نحوی که در اینجا ذکر شده است اگر در مقابل اهل فن واقعی قرار دهیم خواهد گفت که این ملودی همانقدر از آن بومیان استرالیائی است که يك قاشق نقره سوپ‌خوری یا يك ماشین تحریر. «شتومپف» در باره تدوین این نوع ملودی‌ها موشکافی بیشتری کرده و در تأیید نظریات خویش چنین ادامه میدهد:

«بامطالعه این ملودی معلوم نمیگردد آیا ملودی در نقطه‌ای پیدا شده که تحت تأثیر تمدن اروپائیان قرار گرفته بوده است یا اینکه گوش اروپائی نویسنده محترم در موقع نوشتن آهنگ استرالیائی با او شوخی کرده است! و متأسفانه این موضوعی است که برای ما بهیچوجه روشن نمی‌باشد و شاید هم هر دو عامل باعث برشته تحریر درآمدن این ملودی شده باشد.»

«لوم هولتز» یعنی همان کسیکه این ملودی‌ها را جمع‌آوری کرده و در اختیار «ووندت» گذارده است در صفحه ۱۹۸ کتاب خود در تأیید کارهایش خود نکاتی را ذکر میکند که از نظر «شتومپف» کاملاً مردود میباشد. وی چنین اظهار نظر میکند:

«يك ملودی خوب میتواند حتی از قبيله‌ای به قبيله ديگر حرکت کند» برای نمونه مثال اول را ذکر کرده و میگوید: «این ملودی را خود من بعدها در قبيله ديگری که در پانصد میلی قبيله اول قرار داشت شنیدم. گمان میرود که این ملودی در ابتدا در حوالی «روک هامپتون» خوانده میشده و بعد از طی مسافتی طولانی به «هربرت ریور» رسیده است. جالب اینجاست که اشعار آن بکلی تغییر یافته و اصلاً قابل درک نیست.» نویسنده برای قبولاندن نظریات خود دست بدامان یکی از آثار «هورن بوستل» زده و از آن برای نظریه خود شهادت طلبیده است غافل از اینکه «هورن بوستل» در باره سیر ملودی‌ها از قسمتی به قسمت دیگر دارای نظریات فنی و منطقی‌تری بوده است. وی موضوع را به همینجا خاتمه نداده و چنین اضافه میکند:

» باتوجه به مراتب فوق میتوان تصور کرد که موسیقی فولکلور اروپا هم قبل از اینکه در محلی مستقر شود راه درازی را پیموده است.

این تذکر در اینجا لازم است که نویسنده به یکی از کارهای هورن بوستل که در آن به تطبیق نمونه‌ای از موسیقی ترکمنستان با یکی از موسیقی‌های اروپائی - که بجهاتی غیر از مورد بالا تطابق یافته بود و تحت شماره ۲۷ آرشیو فونوگراف یافت میشد - تکیه کرده و از آن بعنوان تأیید تئوری‌های خود استفاده نموده است.

نظریات «کارل شتومپف» دربارهٔ جمع‌آوری و تشخیص اصالت آهنگهای محلی یکی از بهترین موضوعات موزیکولوژیک اوایل قرن اخیر میباشد از اینجمله سعی میشود برای راهنمایی علاقمندان در شماره‌های آینده نیز مورد بحث قرار گیرد.

بقیه دارد

دکتر خاچی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی